



در باره اخبار را انتخاب کند، انتخابش به پرسش برمی‌گردد که در صدد پاسخگویی بدان است. ولی زیاد جای تعجب نیست که معنی دارترین اثر در مورد اخبار، در زمره تحقیقات کیفی است. قاعدتاً، جالب‌ترین پرسش در مورد اخبار و سازمان‌های خبری، یا به جریان‌هایی نظیر روابط عام بین اخبار و ایدئولوژی مرتبط است یا به جریان‌های ویژه‌ای که اخبار، ایدئولوژی را باز تولید می‌کند و یا تغییر می‌دهد، برمی‌گردد. زمانی که محقق به تأثیر اخبار بر روی فرد یا نهادها می‌نگرد، بهترین پاسخ‌ها نیز معطوف به این جریان‌ها هستند و حتی کنش‌های متقابل خرد - مانند، چگونه مردم روزنامه می‌خوانند یا اخبار تلویزیون را تماشا می‌کنند یا جریان انشای وقایعی نظیر، رسوایی کوچکی که منجر به استعفای رئیس‌جمهور، ریچارد نیکسون شد - لازم است مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود نخستین بار چگونه به این مسایل نگرستند.

خلاصه، محقق، اهمیت روش‌های کیفی را با توجه به پرسش ظاهراً ساده «اخبار چیست؟» مد نظر قرار می‌دهد. جامعه‌شناسان اوایل قرن بیستم با روی آوردن به تفهم (Verstehen) - درک پدیدارشناسانه - و نه با تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ دادند.

### اخبار به منزله یک پدیده

همچنانکه یک «تقلیل‌گرا» ممکن است بگوید هنر، آن چیزی است که در موزه و نگارخانه (نهادهایی که هنر را براساس قدرت تعریف می‌کنند) به نمایش گذاشته می‌شود، اخبار نیز عبارتست از هر خبری که - غیر از تبلیغات - توسط یک رسانه خبری پخش شود. با به‌کارگیری منطق کمی، قدم بعدی برای این تقلیل‌گرا، تحلیل محتوا خواهد بود. تعریف نظام یافته از آنچه که به عنوان اخبار منتشر می‌شود. اینگونه تقلیل‌گرایی در مورد اخبار بی‌معنی به نظر می‌رسد، همچنانکه در مورد هنر نیز چنین است.

جامعه‌شناسان کلاسیک به وضوح دریافتند که اخبار، همان خیرهایی است که در روزنامه‌های‌شان یافت می‌شود. یکی از بحث‌های علمی - اجتماعی اولیه در مورد اخبار، بحث تطبیقی «ماکس وبر» راجع به اخبار منتشر شده در آلمان و اخبار متفقین در خلال جنگ جهانی اول است. تعبیر تطبیقی،

مانند بسیاری از دانشگاهیان، آنهایی که در آپارتمان‌های کوچک زندگی می‌کنند و محل کار کوچکتری دارند، من هم کتاب‌هایم را به آنچه که بایستی داشته باشم و آنچه که از آنها لذت برده‌ام، تفکیک می‌کنم (Winnow). امسال، باردیگر من این کار را انجام دادم؛ یعنی به دقت همه کتاب‌های مربوط به «اخبار» را نگه داشتم و به آنها نظم بخشیدم. موقعی که به سمت قفسه‌های خاموش پراز کتاب قدم برمی‌دارم، کتاب‌هایی که در مورد «اخبار» دارم با تأکید به یاد می‌آورند که تحقیق کیفی، با ارزش‌ترین تحقیقات، از قدیمی‌ترین تا جدیدترین مطالعات اروپاییان و آمریکاییان بوده است.

هیچ دلیل اساسی‌ای وجود ندارد که این آثار خوب بر تحقیقات تاریخی، مصاحبه‌ها یا مشاهده مشارکتی متکی باشند. اما قواعد پیشین همچنان معتبر باقی می‌مانند: در این روش، وقتی که محقق می‌خواهد موضوعی

## روش‌های کیفی در مطالعه اخبار\*

گی تاچمن Gey Tuchman

ترجمه: شعبانعلی بهرامپور

امروزه رایج نیست؛ زیرا موضوع‌ها بیشتر در زمینه (Context) نهفته هستند: «ویر»، روزنامه‌نگار و روزنامه‌نگاری را در «سیاست همچون حرفه» (۵۸ - ۱۹۱۸) مطابق قرینه کلاسیک آن «علم همچون حرفه» تعریف کرد. وی در بحث از سیاست طی اظهاراتی آشکار ساخت که اخبار، اطلاعات صرف نیست. او به صراحت افزود، روزنامه‌نگاران به عنوان بهترین عرضه‌کنندگان اطلاعات یا شایعات تلقی نمی‌شوند (اگر چه ممکن است هر دو را انجام دهند) بلکه بیشتر «سیاستمداران حرفه‌ای» هستند. علاوه بر این، روزنامه‌ها فقط بنگاه‌های سودآور سرمایه‌داری نیستند، همچنان‌که نمونه آن در انگلستان در خلال جنگ بزرگ این چنین بود، بلکه سازمان‌های سیاسی‌ای هستند که کارکردهایی مانند کلپ‌های سیاسی دارند. نظریه «ویر» بیشتر صحبت درباره اخبار و صحبت درباره سیاست جامعه است.

«رابسرت پارک» جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار، اولین بحث جامع راجع اخبار را به‌عنوان یک دانشمند آمریکایی مطرح ساخت. او پرسش‌هایی جدای از پرسش‌های ویر مطرح کرد. «پارک» قبل از توجه به سیاست در قبال جنگ و عواقب ورسای (Versailers)، یک مشکل اجتماعی را در آمریکا براین مبنا بیان کرد که رشد شهرنشینی معلول مهاجرت‌های اروپاییان و همچنین مهاجرت‌های داخلی است. (پارک ۱۹۲۲) او نه تنها می‌خواست راجع به اخبار بیشتر بدانند بلکه بیش از آن می‌خواست بدانند اخبار در شهرهایی که از گروه‌های خیلی متفاوت تشکیل شده و بیشتر در حوزه‌های جدا از هم زندگی می‌کنند چه کارکردی دارد. پاسخ او ساده به نظر می‌رسد: اخبار، کارکردی معادل جارچی شهر دارد؛ یعنی کسی که پس از گشت در اطراف شهر اعلام می‌کند، ساعت ده است و همه چیز به خوبی می‌گذرد، یا احتمالاً، ساعت یازده است و خانم اسمیت به تازگی یک پسر سالم به دنیا آورده است. اما پارک به خوبی می‌دانست که زندگی شهری نسبت به زندگی در روستا، دارای پیچیدگی متفاوتی است. در یک شهر، هر روزه مرگ و تولد بسیار زیادی اتفاق می‌افتد که به کسانی که ارتباط مشخصی با آن ندارند، نامربوط است. در شهر ناقوس‌های کلیسا برای توجه دادن به مردم با هم رقابت می‌کنند و گروه‌ها نیز به هنجارهای متضاد پای‌بندند. علاوه بر این، اخبار در یک شهر آمریکایی

ممکن است نسبت به اخبار در یک محیط اروپایی در همان زمان، دارای کارکردهای متفاوتی باشد. شیکاگویی «پارک»، شبیه دیگر مراکز شهری بزرگ، شهری پرهیاهو بود، این شهر با این مسأله که چگونه انبوهی از گروه‌های متفاوت، در یک هویت سیاسی اجتماعی انسجام می‌یابند، روبرو بود. به نظر «پارک»، این اخبار بود که کار اساسی ایجاد همبستگی را فراهم ساخت. اهداف اخبار، عبارت بود از تعیین آنچه که هرکسی باید برای کارکردن در محیطش بداند و از طریق این کارها هویتی مشترک بسازد.

پارک احتمالاً به دلیل تحصیلاتش در آلمان بود که به ماهیت اخبار از جمله ماهیت فرهنگ در عصر مدرن روی آورد. تفکر نظام یافته و تجربه شغلی قبلی‌اش به عنوان روزنامه‌نگار (مشاهده مشارکتی گذشته‌نگر - اگر بتوان چنین گفت -) وی را به جایگاه اخبار در بافت ادبیات

ویز ویزا!

بعدها، بررسی نظام یافته و اندیشیده بدیل‌های قابل تصور (استدلال کیفی) در مطالعه عالمان اجتماعی از اخبار کمتر شد، اگرچه دست‌کم یکی از دانشجویان «پارک» به نام «هلن مک‌گیل هاگس» به جریان تفکر سازنده درباره ماهیت اخبار ادامه داد (ر.ک. هاگس، ۱۹۴۰). اما به هرروی در دهه ۱۹۵۰ چگونگی انجام مطالعات اخبار توسط آمریکاییان، همچنان‌که در اثر دیگر جامعه‌شناس مکتب شیکاگو، «مورس یانویتز» (۵۷ - ۱۹۵۲) دیده شد به‌طور معنی‌داری تغییر کرده است. من در ادامه، پیرامون این اثر مکتب شیکاگو بحث می‌کنم، به‌خاطر این که حتی در اواخر دهه ۱۹۵۰ بسیاری از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه شیکاگو برای مشاهده مشارکتی آموزش می‌دیدند.

### ■ محقق، اهمیت روش‌های کیفی

را با توجه به پرسش ظاهراً

ساده «اخبار چیست؟» مد نظر

قرار می‌دهد.

■ «ویر»، روزنامه‌نگار و

روزنامه‌نگاری را در «سیاست،

همچون حرفه» مطابق قرینه

کلاسیک آن «علم، همچون

حرفه» تعریف کرد.

اثر «یانویتز» در دو جهت تغییر ایجاد کرد: یکی در روش‌ها و دیگری در نظریه. برای مطالعه جامعه مطبوعات (Community Press)، یانویتز از هر دو روش کمی و کیفی استفاده کرد. برخلاف بعضی از جامعه‌شناسان اولیه مکتب شیکاگو، یانویتز مشاهده مشارکتی را به عنوان یک روش جدی و نظام یافته در نظر نگرفت. یانویتز در پیشگفتار چاپ دوم کتابش «جامعه مطبوعات در محیط شهری» توضیح داد که این کتاب تمرینی است در جامعه‌شناسی مکتب شیکاگو و تلاشی است برای یکپارچه کردن بیشتر روش‌های نظام یافته تحقیق در مقابل روش‌های مشاهده مشارکتی نظیر تحقیق زمینه‌یابی (یانویتز ۱۹۶۷-۶۸). در سال ۱۹۶۷ نیز یانویتز به‌همراه دستیارانش بعضی از تکنیک‌های مصاحبه را نقد کرد و خیلی کم از آنها استفاده نمود (ص ۱۸). بنابراین در سال ۱۹۶۷ که چاپ

و همچنین طرح مسایل صورت (Form) و فرهنگ هدایت کرد. «پارک» به غلط براین عقیده بود که اخبار به منزله یک شکلی از ادبیات جایگزین داستان کوتاه خواهد شد. داستان کوتاه هنوز پابرجاست و به‌خوبی در آمریکای شمالی رواج دارد، اما اشتباه «پارک» از مقایسه‌اش کم‌اهمیت‌تر است. اشتباه پارک منجر به این شد که او، اخبار را با یکی از مشخصه‌های اصلی‌اش - همچون اصلی که گاهی اوقات نادیدنی است - یکی بداند: اخبار، یک داستان است. داستان‌ها از منطق روشن و درونی خودشان پیروی می‌کنند. گزارش‌های خبری ممکن است پاسخ‌هایی به این پرسش کلی آمریکاییان مبنی بر اینکه اخبار چیست؟ باشد. خبر همچون داستان، ممکن است فرد را علاقه‌مند نگه‌دارد تا یادداشت بردارد. پارک (۱۹۴۰) نوشت: اخبار، داستانی است که ممکن است خواننده را وادارد تا بگوید «وای

■ «ماکس وبر»: روزنامه‌نگاران  
به عنوان بهترین  
عرضه‌کنندگان اطلاعات یا  
شایعات تلقی نمی‌شوند (اگر  
چه ممکن است هر دو را انجام  
دهند) بلکه بیشتر  
«سیاستمداران حرفه‌ای»  
هستند.

دوم کتابش منتشر شد، به نظر می‌رسد که یانو ویتز انتقادهای محققان کمیته‌گرا (Quantitative Reserchers) در باب مشاهده مشارکتی را به نسبت سال ۱۹۵۲ بیشتر پذیرفته است.

علاوه بر این، یانوویتز در واکنش به پیشگفتار اثرش در چاپ دوم اظهار داشت که بحث نظری بین اثرش و مطالعات اولیه اخبار فاصله ایجاد می‌کند. برخلاف وبر، پارک و هاگیس که خودشان به مسایل سیاسی و فرهنگی پرداخته بودند، یانوویتز پرسش‌های مناسبی را در باب آنچه که در دهه ۱۹۵۰ برای تحقیق در ارتباطات مورد توجه قرار گرفته بود، طرح کرد. چنان که نوشت:

بی‌شک ما قادر بودیم نقش اجتماعی [جامعه مطبوعات] را به عنوان یک جنبه از نظام دستوری اجتماع شهری مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر، تعریف و پیش‌فرض‌های ما در بازنگری نیز محدود بودند. علاقه‌ای افراطی به راهبرد تحقیق ارتباطات که بر پاسخ‌های ویژه متمرکز است، وجود داشت. [ولی] به اندازه کافی راجع به تاریخ طبیعی یک نهاد اجتماعی [علاقه مخصوص پارک] و معرف‌های جمعی کار نشده بود (تأکیدات از متن است، (ص ۱۷).

یانوویتز در کتاب جامعه مطبوعات توضیح داد که واژه «سیاست» به فعالیت سیاستمداران، یعنی کسانی که رابطه تنگاتنگی با جامعه مطبوعات دارند اشاره دارد. این واژه در ابتدا با ایدئولوژی و عوام‌فریبی و روزنامه به عنوان یک کلوب سیاسی، رابطه‌ای نداشته است. به نظر می‌رسد در این «خود انتقادی گذشته‌نگرانه» یانوویتز از آنچه که تحت عنوان رویکرد نظری به اخبار در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اتفاق خواهد افتاد، خبر می‌دهد.

سراسر دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به ویژه در ایالات متحده آمریکا، مطالعه تجربی اخبار برای جنبه‌های ظاهری تحقیق ارتباطات «چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی، از چه طریق و با چه واژه‌ای می‌گوید» متمرکز بود. بیشتر تحقیقات مستلزم تحلیل محتوا یا در خلال دهه ۱۹۵۰ و بعد از آن، بررسی کمی تصمیم‌های افرادی موسوم به «دروازه‌بانان» بود. یکی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین این مطالعات به جای کنش معین، بر کنش‌ها و توجیهات معین مبتنی است که توسط شخصی با نام مستعار آقای گیت انجام شد (وایت، ۱۹۵۰). مطالعات معدودی که بر مشاهده

مشارکتی مبتنی بودند گهگاه توسط محققان کمیته‌گرا کنار گذاشته شدند (همچنان که دورنمای منحصر به فرد تلویزیون، اثر لانگ ولانگ این چنین بود، چاپ اول ۱۹۵۳) یا در یک زمینه کارکردگرا قرار گرفتند؛ کنترل اجتماعی در اتاق اخبار اثر وارن بریدز (۱۹۵۵) نمونه خوبی از این گرایش اخیر است.

مطالعه اخبار همیشه برای اوضاع سیاسی، حساس بوده است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ (دوران مخالفت در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری غربی) محققان برای طرح مسایل انتقادی درباره اخبار، فرهنگ و جامعه دوباره به روش‌های کیفی بازگشتند. در دهه ۱۹۷۰، تحلیل‌های اخبار به سمت تحلیل‌های نشانه‌شناسی پیش رفت، به عنوان مثال «پیتز دالگرن» در رساله دکترای خود (۱۹۷۷) برای تحلیل معانی تلویحی نخستین اخبار عصر شبکه CBS از نشانه‌شناسی استفاده کرد، وی همچنین از نشانه‌شناسی برای تحلیل حالت اضطراری‌ای که صدای یک سیم به وجود آورده و سروصدای ماشینی را که در پشت صحنه سرویس می‌داد تحت‌الشعاع قرار داده بود، استفاده کرد.

در دهه ۱۹۸۰ روش‌های کیفی، ابزارهای نظام یافته دیگری مانند تحلیل‌گفتمان (Discours analysis) را در بر گرفت (ر.ک. ون دیک ۱۹۸۸ الف، همچنین در این اثر مطالعات ژرمن مورد بحث قرار گرفت). همچنان که بیشتر تحقیقات انجام شده راجع به سازمان‌های خبری طی دهه ۱۹۶۰ و بعد از آن نوید داده‌اند، تحلیل‌های گفتمان تأکید می‌کند که چگونه اهمیت ایدئولوژیک اخبار، بخشی و جزئی از روش‌های به کاررفته در جریان‌های اخبار است. بنابراین سرانجام زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان محتوای خبر، همان پرسش‌های معرفت‌شناختی بیان شده توسط مطالعات مشاهده مشارکتی سازمان‌های خبری دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را به پیش کشید.

#### مطالعات سازمان‌های خبری

در دهه ۱۹۶۰ بحران موشکی کوبا (گازن ۱۹۷۹) جنبش حقوق مدنی (اپشتین ۱۹۷۳) و جنگ ویتنام (گیتلین ۱۹۸۰؛ هالوران و غیره ۱۹۷۰؛ ناچمن ۱۹۷۸) مجموعه‌ای از مطالعات مشاهده مشارکتی در خصوص سازمان‌های خبری را سبب شد. بیشتر این مطالعات نشان داده‌اند که چگونه جریان‌های ساخت اخبار از

معانی ایدئولوژیک ریشه‌دار ناشی می‌شود. در این دهه (دهه ۷۰) نژادپرستی (هال و دیگران ۱۹۷۸)، جنگ در شمال ایرلند (شلزینگر ۱۹۷۸)، ضدیت با اتحادیه‌گرایی (گروه گلاسکو، ۱۹۷۹) و دیدگاه‌های محافظه‌کار کج‌روی (کیب‌نال، ۱۹۷۷؛ کوهن و یونگ، ۱۹۷۳؛ فیشمن ۱۹۸۰) بیشتر در مطالعات مشاهده مشارکتی به نتایج مشابهی منجر شدند. اگر چه این مطالعات، در مورد سازمان‌های ارتباطات ملی و محلی، در انگلیس و آمریکا انجام شد، اما نتایج تحقیقات آنقدر مشابه بود که به‌نظر می‌رسید به نحوی تکرار و تأیید یکدیگرند.

این مطالعات یک عزیمت معنی‌دار از آثار اولیه، به سه روش زیر بودند:

نخست، مطالعاتی که واحد تحلیل‌شان شخص خبرنگار و ویراستار نبود - نظیر مطالعه فردی با اسم مستعار آقای گیت - بلکه بیشتر،

### ■ یانویتز در کتاب جامعه مطبوعات توضیح داد که واژه «سیاست» به فعالیت سیاستمداران، یعنی کسانی که رابطه تنگاتنگی با جامعه مطبوعات دارند، اشاره دارد.

سازمان‌های خبری را به عنوان نهادهای پیچیده بررسی می‌کردند. دوم، اگرچه این مطالعات به زبان دانشگاهی، بی‌طرف، انجام شدند [اما] تولیداً سیاسی بودند. این محققان در صدد بودند که بفهمند چگونه اخبار به حمایت تفسیرهای رسمی وقایع بحث‌انگیز وارد می‌شود، سوم، گاهی اوقات، تولیداً اما بیشتر با صراحت، این مطالعات مسایل کلیدی معرفت‌شناختی را پیش می‌کشید: چگونه سازمان‌های خبری از آنچه که آنها «می‌دانند»، آگاه می‌شوند. دست‌کم سه تن از مشاهده‌کنندگان مشارکتی (فیشمن ۱۹۸۰؛ گانز، ۱۹۷۹؛ تاچمن، ۱۹۷۲) اعتبار گزارش‌های خبری را با روش‌های علوم اجتماعی سنجیدند. با چنین عملی، آنها صراحتاً در راستای پیوند جامعه‌شناسی سازمان‌ها و جامعه‌شناسی مشاغل و حرفه‌ها کار کردند. علاوه براین با مطالعه این مطلب که

سازمان‌های خبری «وقایع» را چگونه تعریف می‌کنند، آنها ایدئولوژی‌های رایج را، هم برای اخبار و هم برای جامعه‌شناسی آمریکا به چالش کشیدند (رک. تاچمن ۱۹۸۰).

گرچه مطالعات کلیدی در ایالات متحده و انگلیس از مشاهده مشارکتی استفاده کردند، اما محققان تکنیک‌هایی را در چند روش متفاوت به کار گرفتند. من در اینجا، بر روی مطالعات آمریکایی متمرکز خواهم شد و از سبک قدیمی و کلاسیک مشاهده جامعه‌شناختی مکتب شیکاگو استفاده می‌کنم (رک. یانکر ۱۹۶۰ از جمله با اورت هاگس). من فعالیت‌های ستاد خبری را در خارج و داخل اتاق اخبار مشاهده کرده‌ام. این فعالیت‌ها پیگیری گزارش‌های خبری از زمان تخصیص خبر تا تمام مدت ویرایش و پخش را در بر می‌گیرد (در مورد تلوویزیون آنها ساعت‌های ۶/۳۰ و ۱۱ بعدازظهر یعنی موقعی که روزنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند را پیشنهاد کردند اما من به نشست ویراستاران صبح توجه کردم و کنار میزی که اخبار روی آن تنظیم می‌شود نشستم تا بازمینی چاپ دوم در ساعت ۱۱/۳۰ بعدازظهر را ببینم).

به همراه خبرنگاران عمومی به رسیدگی وقایع پرداختم و حوزه‌هایی با خبرنگاران خبرهای اختصاصی ساختم (که برخی از آنها توسط ویراستاران به عنوان بهترین و بعضی دیگر به عنوان ضعیف‌ترین شناخته شدند) و به موقع خبرها را در دفتر اخبار قرار دادم. من مصاحبه باز، بسته و عمومی را نیز به خوبی انجام دادم. همه مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها در محلی که یادداشت‌های روزانه آنها نوشته می‌شد، ثبت شده بودند.

هربرگ گانز (۱۹۷۹) روش‌های مشابهی را درباره سازمان‌های مورد مشاهده‌اش دنبال کرد. اما با وجود این، او مشاهده‌ها و مصاحبه‌هایش را با تحلیل محتوای کمی تکمیل کرد و بعضی مشخصه‌های عام گزارش‌های خبری (آنها احتمالاً بیشتر درباره مردمی که شناخته شده هستند صحبت می‌کنند تا ناشناخته‌ها) و ارزش‌های خبری آمریکا (نظیر Pastoralism و قوم‌مداری) را نشان داد.

مارک فیشمن (۱۹۸۰) و مارلین لیستر (۱۹۷۵) نسبت به گانز یا من بیش از آنکه مشاهده‌کننده باشند، مشارکت داشتند. اما «مشارکت» من اغلب به نقش یک پادو (Go - For) (کسی که فیلم را به استودیو

برمی‌گرداند یا قهوه فروخته شده را تحویل می‌دهد) و رازدار تقلیل یافت. «فیشمن» و «لیستر» دوره‌هایی را به عنوان خبرنگاران مبتدی گذراندند. فیشمن هفت‌ماه به عنوان خبرنگار در یک روزنامه محلی و لیستر یک تابستان را به عنوان انترن (کارورزی) در یک روزنامه ملی خدمت کردند. اما به هرروی، فیشمن و لیستر مشارکت‌شان را به گونه‌ای متفاوت نگریستند.

لیستر از مشاهده مشارکتی هدایت شده توسط آنچه که گلاستر و اشتراوس (۱۹۶۷) «نظریه زمینه‌ای» (Grounded Theory) نامیده‌اند، جانبداری کرد. همچنان‌که در کار میدانی، غالباً این چنین است، او فرضیه‌ها را توسعه داد و به‌طور نظام یافته، داده‌های جمع‌آوری شده را بررسی و اصلاح نمود. این نوع مشاهده مشارکتی در مقایسه با دیگر انواع متفاوتی که من توصیف کرده‌ام، مدعی پیوند بسیار نزدیک نظریه و داده‌هاست. اما در دیگر روش‌های موجود یک مشاهده‌کننده مشارکتی شیوه‌هایی را برای پیوند نظریه و داده‌ها اضافه می‌کند. تحلیل محتوای گانز، برای توسعه فرضیه‌هایی که می‌خواهد در میدان آنها را آزمون کند به او کمک کرد. نسبت به دیگر محققان فیشمن دقیق‌تر قادر بود به کارهای خبری نگاه کند، به خاطر اینکه «دی ال ویدر» یادداشت‌های حین‌کار (Field notes) خودش به نام «مشاهده مشارکتی ژرفانگر» extensive participant observation (فیشمن، ۱۹۸۰: ۲۴) را که طی ده سال اول کارش در یکی از روزنامه‌ها جمع‌آوری کرده بود، در اختیار او گذاشت.

در نهایت، اثر تاد گیتلین (۱۹۸۰) فراتر از مشارکت در پدیده‌ای که او مطالعه می‌کرد، تحت تأثیر گزارشی از جنبش ضد جنگ نیز قرار گرفته بود. گیتلین، بنیانگذار و رئیس سابق محققان انجمن دموکراتیک، اسناد زیادی را از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ در دست داشت. وی همچنین به کارمندان خبر و دیگر فعالیت‌های کلیدی نیز به خوبی دسترسی داشت. موفق می‌شد که او مصاحبه می‌کرد، آنها خاطرات‌شان را از وقایع ویژه، از جمله برخوردهای بین خبرنگاران و کارمندان، و خبرنگاران و ویراستاران توصیف می‌کردند. گیتلین همچنین از اطلاعات آرشیوی (بایگانی) نظیر گزارش‌های خبری و برنامه‌های تلوویزیونی استفاده کرد.

هر نوع مشاهده مشارکتی مزایا و معایبی دارد (فیل استیت در مقالاتی به نقد و بررسی آن پرداخت، ۱۹۷۰). گزارش‌هایی را که خبرنگاران و منابع خبری درباره رویدادهای سال‌های قبل ارائه کرده‌اند ممکن است توسط بازبینی‌کننده‌ای آگاه و گذشته‌نگر اصلاح شود. مشارکت، ممکن است صمیمانه نگرستن به مسایل را تسهیل کند اما همانطور ممکن است از توانایی محقق برای فهمیدن جنبه‌های دیگر فرآیند ویرایش بکاهد. دوران طولانی مشاهده روزانه نیز خسته‌کننده هستند. در بعضی روزها، من از ساعت ۸ صبح تا نیمه شب مشاهده کرده‌ام، به طوری که می‌توانستم یک خبر را از تخصیص تا بازبینی اولین چاپ یا تا پایان اخبار ساعت ۱۱ شب دنبال کنم، موقعی که خسته و بی‌رسمی از فکر بازگشتن به محل کار در روز بعد، در خانه بودم، گاهی اوقات قبل از خواب میان‌بر می‌زدم و به جای نوشتن یادداشت‌های

### ■ مطالعه اخبار همیشه برای اوضاع سیاسی، حساس بوده است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ (دوران مخالفت در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری غربی) محققان برای طرح مسایل انتقادی درباره اخبار، فرهنگ و جامعه دوباره به روش‌های کیفی بازگشتند.

حین کار، آنچه را که فکر می‌کردم در مشاهده روزانه برجسته هستند در نوار کاست ضبط می‌کردم. به ناچار یک سری اطلاعات را بدین ترتیب از دست می‌دادم. مانند دانشجویان جوان کارشناسی ارشد، فیضمن، لستر و من رازهایی را کشف کردیم؛ یعنی ما به عنوان محققان جوان توانسته بودیم به یک سری [اطلاعات] موجود دسترسی پیدا کرده و آنها را از محققان قدیمی‌تر حفظ کنیم. اگر چه احتمالاً، بعضی از انواع اطلاعات جمع‌آوری شده توسط گانز را در دسترس نداشتیم. با وجود این تنوع‌ها، یک ناظر بی‌طرف ممکن است بگوید که این پنج محقق در بازگویی یافته‌های کلیدی‌شان در حقیقت دارای مشی مشترکی بودند. این محققان آمریکایی، آرمان‌های سیاسی مشابه محدودی داشتند. اینها از آنچه که آمریکاییان «الپیرال» تا «سوسیال دموکرات» می‌نامند متفاوت بودند، هرچند

بعضی‌ها زمینه نظری مشابهی داشتند. اما من معتقد نیستم که دیدگاه‌های نظری مشابه یا تمایل‌های سیاسی مشابه، سبب شباهت مطالعات‌شان شد. مسایل مشابه زیادی در مطالعات انگلیسی‌ها، در مورد اینکه چگونه الزام‌ها و منابع سازمان‌های خبری در جریان‌های اخبار نفوذ می‌کند، رخ می‌دهد. (مخصوصاً نگاه کنید شلاینگر ۱۹۷۸). من، اهمیت همه این مطالعات را دریافتم، اینها فرآیند اخبار را به ایدئولوژی ربط می‌دهند (در مطالعه گانز به پارادایم‌های ایدئولوژی ربط داده شد) و استدلال می‌کنند که سازمان‌های خبری ضرورتاً پیوندهای اجتماعی را به منابع مرکزیت بخش و مشروعیت دهنده اطلاعات گسترش می‌دهند. در واقع این مسایل مشابه در بیشتر تحقیقات کیفی اخیر، که برکنش‌های متقابل بین خبرنگاران و منابع متمرکزند، رخ می‌دهد.

### خبرنگاران و منابع

دو نمونه از مطالعات اخیر در این رابطه خیلی مهم هستند، به خاطر اینکه آنها یافته‌های مشاهده‌کنندگان مشارکتی را تأیید کردند.

براساس این مطالعات، سازمان‌های خبری شدیداً به منابع مشروعیت‌بخش وابسته هستند، حتی موقعی که این سازمان‌ها در تحقیقات اولیه‌شان از منابع متفاوت داده‌ها استفاده می‌کنند. یکی از اینها کتاب «کنترل مذاکره: مطالعه منابع اخبار» (۱۹۸۹) نوشته «ریچارد وی اریکسون»، «پاتریشیا ام بارانیک» و «جان بی‌ال جان»؛ و دیگری کتاب «جنگ سانسور نشده: رسانه‌ها و ویتنام» (۱۹۸۶) نوشته «دانیل سی هالین» است. هر دو کتاب بر روش‌های کیفی مبتنی‌اند. اریکسون، بارانیک و جان، کتابشان را بر کار میدانی، مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای تکمیلی نامه‌های رسیده به سردبیران استوار ساختند. هالین از اسناد تاریخی گزارش‌های خبری و از «متن کامل» مصاحبه‌های خبرنگاران مکاتبه‌های با مقامات رسمی و تحلیل محتوا برای بازسازی جریان‌های تأثیرگذارنده بر گزارش‌های خبری راجع به جنگ و مخالفت با سیاست‌های دولت استفاده کرد؛ هرچند او تحلیل محتوای خود را در فرم جدول‌بندی شده ارائه نکرد.

اریکسون و دیگران (۱۹۸۹) هم، عقیده هربرت گانز مبنی بر اینکه بیشتر خبرها درباره دانسته‌ها Knowns است (گانز تقریباً از پنجاه

نفر نام می‌برد، ۱۹۸۹) و هم، بحث من (تاچمن ۱۹۷۲؛ ۱۹۷۸) مبنی بر اینکه گزارش یک منبع رسمی را بایستی یک واقعه (Event) تلقی کرد، تأیید کردند. آنها در نتیجه‌گیری‌شان چنین گفتند:

اخبار، محصول تعامل بین روزنامه‌نگاران و منابع‌شان است. نخستین منبع واقعی اخبار، آنچه ابراز می‌شود یا آنچه که در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد نیست، بلکه حقیقت اخبار در ماهیت و نسوع روابط فرهنگی و اجتماعی که بین روزنامه‌نگاران و منابع‌شان گسترش می‌یابد و در سیاست‌های خبری‌ای که برای انتشار هر خبر بکر اعمال می‌شود، وجود دارد. (ر.ک. اریکسون و دیگران، ۱۹۸۹ ص ۳۷۷ همچنین شیوتانی ۱۹۶۶).

اریکسون و دیگران (۱۹۸۹) با استفاده از مشاهده مشارکتی توانستند به آنچه که «سیاست‌های خبری» نام گرفته است پی ببرند. مهمترین نکته‌ای که آنها توانستند در مورد خبرنگاران تحلیل کنند این است که چگونه آن دسته از خبرهایی را که خبرنگاران برای گزارش و ارائه بر نمی‌گزینند به‌طور استثنایی و مثال‌زدنی حکومت را تثبیت می‌کند. چنین اطلاعاتی هرگز نمی‌تواند از طریق تحلیل محتوای [کمی] اطلاعات منتشر شده به دست آید. برای مثال اریکسون و دیگران (۱۹۸۹) توضیح دادند سیاست‌های خبری‌ای که برای نشر خبر بکر دادگاه اتخاذ می‌شود، خبرنگاران را به فعالیت علیه آنچه که او حق تقدم ویراستار می‌داند، می‌کشاند. خبرنگار دادگاهی، پرونده یک گزارش قابل انتشار درباره یک مرد خیلی سرشناس - کسی که یک مساوک دزدیده بود - را انتشار نداد، هرچند او احساس می‌کرد حتی گزارش یک صفحه‌ای در این باره مورد استقبال قرار خواهد گرفت. گزارش خبرنگار حالت بی‌طرفی را که خبرنگار باید در کنش متقابل با منابع روزمره اتخاذ کند، نقض کرد. اما اریکسون و دیگران نوشتند: چنین تصمیم‌هایی هنوز در قلمروی کاربردشناسی هر اثر خبری اتخاذ می‌شود. این خبرنگار نتوانست راجع به پرونده گزارشش تصمیم بگیرد، برای اینکه او در همان روز، گزارش دیگری از یک پرونده دیگر دریافت کرده بود که می‌توانست نیاز اولیه شغلش - تهیه خبر - را برآورده کند.

علاوه بر این اریکسون و دیگران (۱۹۸۹) به‌خاطر اینکه از مشاهده مشارکتی استفاده کرده بودند، توانستند داده‌های ذی‌قیمتی در مصاحبه‌هایشان با منابع [خبر] جمع‌آوری کنند. غالباً تحمل رویدادهای مشاهده شده‌ای که در

آن خبرنگاران با منابع تعامل داشتند، آنها را قادر می‌ساخت تا بحث‌های انضمامی درباره رویدادهای منتشرشده و کنش متقابل منابع با خبرنگاران را حفظ کنند. این داده‌ها از غیرقابل مشاهده به قابل مشاهده تبدیل شده‌اند. آنها برای نتیجه‌گیری بسیار مناسب‌اند حتی موقعی که به‌نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری‌ها از نظر آماری ابطال‌ناپذیر باشند (ر.ک. مالاچ ولستر، ۱۹۷۵). آنها نشان داده‌اند که چگونه منابع خبر سعی دارند بر خبرنگاران تأثیر بگذارند و تحت چه شرایطی در انجام چنین کاری موفق شده‌اند. اریکسون و دیگران، همچنین نتیجه‌گیری‌هایی را در ارتباط با واکنش منابع نسبت به خبرنگاران، هنگامی که آنها غیرمنصف و مغرض‌اند بیان کرده‌اند. در این حال خاص، داده‌های محققان از پاسخ‌های ارائه شده توسط سناریوهای که برای

## ■ همچنان که بیشتر تحقیقات

### انجام شده راجع به

### سازمان‌های خبری طی دهه

### ۱۹۶۰ و بعد از آن نوید داده‌اند،

### تحلیل‌های گفتمان تأکید می‌کند

### که چگونه اهمیت ایدئولوژیک

### اخبار، بخشی از روش‌های

### به‌کاررفته در جریان‌های اخبار

### است.

به‌کارگیری اصول مصاحبه ساخته شده، فراتر می‌رود (هر چند به احتمال ۹۵ درصد ما می‌توانیم براساس معرف‌هایی مانند مجموعه‌ای از متغیرهای معین این سناریوی ساخته شده، پیش‌بینی کنیم که چگونه یک منبع، واکنش نشان خواهد داد).

تحقیق تاریخی کیفی نیز بر اهمیت نقد منابع تأکید می‌کند. «هالین» در گزارش آمریکایی جنگ ویتنام نوشت، خبرنگاران آمریکایی مسائلی را درباره این جنگ، مبنی بر این‌که منابع‌شان در خارج از آمریکا نیز پیدا خواهد شد، نادیده گرفتند. این گرایش احتمالاً با نفوذ ظاهری دیدگاه‌های منابع خبری، وخیم‌تر شده بود. به‌ویژه در سال‌های اول درگیری نظامی آمریکاییان، خبرنگاران مسائل جنگ هرگز باور نداشتند که آیا ایالات متحده، باید برای ماندن در هندوچین اصرار داشته

باشد یا، در آنجا باید برای میانجی‌گری اقدامی کند؟ ... و یا اینکه بهترین شکل برای مردم هندوچین چیست؟ (هالین ۱۹۸۶ ص ۲۱۴).

روزنامه‌نگاران آمریکایی زمانی به پرسش درباره جنگ پرداختند که نخبگان منابع در حال افشای اختلافاتشان با یکدیگر بودند. شادسن (۱۹۸۹، ۲۶۸) نتیجه‌گیری‌های هالین را این چنین خلاصه کرده است:

رفتار مطبوعات آمریکا در قبال جنگ ویتنام ... صرفاً به‌عنوان یک رویداد می‌تواند فهمیده شود، به‌خاطر اینکه نخبگان سیاسی بسیار عمیق‌تر از آنچه که ظاهر قضیه نشان می‌داد از هم جدا شدند. حتی در آن زمان به‌نظر می‌رسید بیشتر مطبوعات این‌طور وانمود کرده‌اند که این جریان به حق طبیعی رهبران رسمی برمی‌گردد - مسأله درست زمانی اتفاق افتاد که مقامات از هم جدا شده بودند. (تأکید از نویسنده است).

همین‌طور، رؤسای جمهوری [آمریکا] جان. اف. کندی و لیندون. بی. جانسون تا زمانی قادر بودند از نشر خبر در دولشان جلوگیری کنند که، خبرنگاران هیچ مقامی را برای روی آوردن به یک دیدگاه مخالف «دیدگاه رسمی» در دسترس نداشتند.

تحلیل محتوای گفتمان، مشاهده مشارکتی در سازمان‌های خبری و مصاحبه با منابع [خبر]، تأثیر دیدگاه‌های رسمی بر گزارش‌های خبری را تأیید کرده‌اند. در چنین حالتی، اخبار ایدئولوژیک است. اما با وجود این، رسانه‌های خبری ممکن است به‌طور ناآگاهانه با «تقدم قرائت» (preferred reading) بر گزارش‌های خبری‌شان تأثیر بگذارند و حتی «تقدم قرائت» مسمکن است سبب «زمینه اختلاف» (Contested terrain) شود (هال ۱۹۷۹). احتمالاً اختلاف از اینجا آغاز می‌شود که (افراد یا) گروه‌هایی از خوانندگان یا بینندگان تقدم قرائت یا بحث کردن درباره اعتبار آن را رد بکنند.

### دلالت‌ها: تأثیر به منزله فرایند

از آنجا که افراد و گروه‌ها ممکن است تقدم قرائت سابقه‌دار در یک گزارش خبری را رد کنند پس چرا تقدم قرائت برای فهم جریان‌های ساخت اخبار مهم است؟ رویکرد ساختارگرایان به اخبار، که توسط گامسون و همکارانش ارائه شده است (گامسون و کیش

۱۹۸۲؛ گامسون و مادگیلیانی ۱۹۸۷؛ ۱۹۸۹) می‌گوید دلیلش در اختصار نمادی اصول تفکیک‌ناپذیر گفتمان رسانه‌ها قرار دارد. همچنان‌که گامسون و مادگیلیانی (۱۹۸۹: ۳) توضیح داده‌اند:

گفتمان رسانه می‌تواند به عنوان یک سری بسته‌های (Packages) تفسیری‌ای که به یک مسأله معنی می‌دهد، تصور شود. هر بسته‌ای دارای یک ساختار درونی است. در کانون آن یک ایده سازمان‌دهنده مرکزی یا چارچوبی وجود دارد که بین وقایع ارتباط برقرار کرده و آنچه را که مسأله‌ساز است، معرفی می‌کند... این چارچوب، نوعاً محدوده‌ای از موقعیت را دربر دارد و نسبت به واحدهای دیگر درجه‌ای از اختلاف را در میان آنهایی که در یک چارچوب مشترک سهیم هستند مجاز می‌شمارد. این چارچوب‌ها یا «نمادهای

### ■ تفسیرهای رسمی اصول تفکیک‌ناپذیر اخبار در گزارش‌های بسته‌بندی شده قرار می‌گیرد؛ این بسته‌بندی‌ها در جای خود توسط مقامات رسمی و کسانی که از این بسته‌بندی‌ها به عنوان راهنمایی برای عمل استفاده می‌کنند، تفسیر می‌شوند.

اختصاری (Condensing symbols) بسته‌های خبری یک شکلی از مختصرنویسی است که بسته را به عنوان یک کل با یک مجاز ماهرانه و تکیه کلام یا دیگر ابزار نمادین ممکن می‌سازد. گامسون و مادگیلیانی (۱۹۸۹، ۳). آنها احتمالاً با موضوع‌های فرهنگی طنین‌انداز خواهند شد، همچنان که ساخت انرژی اتمی که متضمن «معامله شیطانی» است این چنین می‌باشد. مردمی که سرمقاله معرفی انرژی اتمی به عنوان یک معامله شیطانی را خوانده‌اند ممکن است به حالتی که تحت آن، شرایط یک معامله بایستی ساخته شود، به گفت‌وگو بنشینند. اما آنها یا با سرمقاله موافقت یا مخالف، در هر صورت آنها به مضمون گزارش خبری (اصل معامله شیطانی devils) bargain واکنش نشان داده‌اند.

در واقع، درگفتمان فرهنگ، مانند گفتمان‌های دیگر، خود اصول (چارچوب‌ها) به عنوان شرایط ساختاری تغییر می‌کنند. (معامله شیطانی، قالبی نسبتاً جدید است). از این رو چارچوب‌ها خودشان سازنده زمینه مبارزه هستند. (هال ۱۹۷۹) طرفداران هر ساختاری سعی دارند روش‌شان از سازماندهی اطلاعات درباره قدرت اتمی را به عنوان تنها روشی که به بحث درباره این مسایل می‌پردازد، تثبیت کنند. مانند منابع اخبار، این طرفداران، اصول‌شان را به عنوان افکاری سازمان‌بخش برای گزارش‌هایی درباره قدرت اتمی تحویل می‌دهند.

دلیلی ندارد روزنامه‌نگاران، این اصول را منفعلانه بپذیرند. خبرنگاران و ویراستاران درگیر جریان‌های فعال هستند. آنها، هم سازنده فرهنگ و هم مصرف‌کننده فرهنگ جامعه‌اند. من از فرهنگ به عنوان «جعبه‌ابزار Toolkit» نمادها، داستان‌ها، مناسک و جهان‌بینی‌ها تعبیر می‌کنم که مردم ممکن است به اشکال مختلف برای حل انواع مسایل متفاوت از آن استفاده کنند. (سوايدر، ۱۹۸۶ ص ۲۷۳؛ و همچنین وندیک ۱۹۹۱). خبرنگاران و ویراستاران ضرورتاً از بعضی از ابزارها برای خوانندگان و بینندگان خود استفاده می‌کنند. فکر قدرت اتمی به عنوان یک معامله شیطانی بر جهان‌شناسی مسیحی متکی است و حتی برای ساکنان دنیاگرایی ملل غربی بامعنی است. شباهت در این است که اصل قدرت اتمی، به همان اندازه که پیشرفت‌های قرن بیستم را به رمز درآورد با اعتقاد قرن نوزدهم مبنی بر اینکه بشریت به سوی یک جهان بهتر در حرکت است، سازگاری دارد. خبرنگاران و ویراستاران با (باز) تولید نمادهای آشنا برای مخاطبان‌شان تقدم قرائت یک متن را علناً اعلام می‌دارند.

تعدادی از مخاطبان اخبار ممکن است تقدم قرائت را رد کنند. این امر بعید نیست با شرایط زندگی خودشان از جمله، نگرانی‌های شخصی‌ای که از طریق تأثیر شرایط ساختاری مسایل دینوی‌شان به وجود می‌آید، تشدید شود. با این وجود، حتی رد کردن تقدم قرائت پاسخی است به اصول اعلان شده رسانه، همچنان‌که این امر در مثال‌های زیر درباره داروهای غیرمجاز دیده می‌شود.

گزارش‌های پیرامون وحشت از استفاده داروهای غیرمجاز، غالباً از این اصل که

«داروها» زندگی را نابود می‌سازد، نشأت می‌گیرد (ر.ک. رینارمان ولوین، ۱۹۸۹ و ادبیات مرور شده در همان اثر). این اصل همچنان که عده‌ای را از استفاده از داروها بازمی‌دارد، ممکن است عده‌ای دیگر را به استفاده از آن برانگیزد. دو امکان در اینجا در خور توجه است. نخست تقدم قرائت ممکن است برای طرح شناختی (Cognitive Schema) یک مصرف‌کننده اخبار ضدوتقیض باشد (گرابر ۱۹۸۴). این اصل ممکن است با تجربه مصرف‌کننده اخبار در تضاد باشد یا اینکه شخص ممکن است افرادی را بشناسد که با مصرف داروها زندگی‌شان متلاشی نشده باشد، یا با خوش‌بینی فطری ممکن است خودش را از این قاعده مستثنی بداند. دوم، تقدم خواندن ممکن است پاسخ ضدوتقیض به آنچه که مورد نظر بخش‌کنندگان اخبار (مولج ولستر ۱۹۷۴) و خدمتگزاران رسانه بود به وجود آورد. خبرنگاران رسانه‌ها - حتی آنهایی که سرویس

### ■ بسته‌های خبری، یک شکلی از مختصرنویسی است که دریافت بسته را به عنوان یک کل با یک مجاز ماهرانه و تکیه کلام یا دیگر ابزار نمادین ممکن می‌سازد.

عمومی آگهی‌های ضد دارو را ترتیب می‌دهند - اغلب یادآور می‌شوند که بعضی از داروهای غیرمجاز حالت خیلی نیرومندی در فرد به وجود می‌آورند. تحقیق اخیر نشان می‌دهد که بعضی مصرف‌کننده‌های اخبار مشتاقند، نخست شوروهیجان بالا [ای برآمده از داروها] را تجربه کنند و سپس درصدد محکوم کردن داروها برآیند (رینارمان ولوین ۱۹۸۹).

در نهایت اینکه، فرآیند ساخت اخبار، تأثیر اخبار را در روش‌های دیگری نیز به کار می‌گیرد. حتی در گزارش‌هایی مانند قضیه واترگیت - گزارش‌های سنا درباره اتهام رئیس‌جمهور [آمریکا] ریچارد نیکسون - که بزرگترین تأثیر را بر روی سیاستمداران داشت، بسیاری از آنان از این گزارش‌ها به عنوان شاخص‌های عقیده عمومی استفاده کردند (لانگ ولانگ ۱۹۸۳). خلاصه اینکه فرآیند انتقال یک رویداد به گزارش‌های خبری به

24. Janowitz. M. (1952) *the Community Press in an Urban Setting*, 2nd rev. edn (1967). Chicago: University of Chicago Press.
25. Junker. B. (1960) *Field Work: an Introduction to the Social Sciences*, introduction by E.C. Hughes, Chicago: University of Chicago Press.
26. Lang, G.E. and Lang, K. (1983) *The Battle for Public Opinion: the President, the Press and the Polls During Watergate*, New York: Columbia University Press.
27. Lester. M. (1975) "News as a Practical accomplishment," dissertation, Santa Barbara: University of California.
28. Molotch, H. and Lester, M. (1975) "The great oil spill," *American Journal of Sociology* 81: 235-60.
29. Park, R.E. (1922) *The Immigrant Press and Its Control*, New York: Harper.
30. Park, R.E. (1940) "News as a form of knowledge," *American Journal of Sociology* 45: 669- 86.
31. Reinerman, C. and Levine, H.G. (1989) "Crack in context: politics and the making of a drug scare," *Contemporary Drug Problems* (winter): 535-77.
32. Schlesinger. p. (1978) "On national identity: Some conceptions and misconceptions criticized," *Social Science Information* 26: 219-464.
33. Schudson. M. (1989) "The sociology of news production," *Media, Culture and Society* 11: 263-83.
34. Shibutani, T. (1966) *Improvised News: a Sociological Study of Rumor*, New York: Bobbs-Merrill.
35. Swidler, A. (1986) "Culture in action: symbols and strategies," *American Sociological Review* 51: 273-86.
36. Tuchman, G. (1972) "Objectivity as strategic ritual: an examination of newsman's notions of objectivity," *American Journal of Sociology* 77: 660-79.
37. Tuchman, G. (1978) *Making News: a Study in the Construction of Reality*, New York: Free Press.
38. Tuchman, G. (1980) "Facts of the moment: a theory of News," *Social Interaction* 3: 9-20.
39. Weber, M. (1918) "Politics as a vocation," repr. (1958) in H.H. Gerth and C.W. Mills (eds) *From Max Weber*, New York: Oxford University Press.
40. White. D. M. (1950) "The gatekeeper : a Case Study in the Selection of News," *Journalism Quarterly* 27: 383-90.
41. Williams, R. (1977) *Marxism and Literature*, London: Oxford University Press.
- Hillsdale, NJ: Erlbaum.
6. Dijk, T.A. van (1988b) *News Analysis: Case Studies of International and National News in the Press*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
7. Epstein. E.J. (19773) *News From Nowhere: Television and the News*, New York: Random House.
8. Ericson. R.V. Baranel, P.M., and Chan, J.B.L. (1989) *Negotiating Control: a Study of news Sources*, Toronto: University of Toronto Press.
9. Filstead, W.J. (ed.) (1970) *Qualitative Methodology: Firsthand Involvement with the Social World*, Chicago: Markham.
10. Fishman, M. (1980) *Manufacturing the News*, Austin: University of Texas Press.
11. Gansom, W.A. and lasch, K.E. (1983) "The political culture of social welfare policy," in E. Spiro and E. Yuchtman- Yaar (eds) *Evaluating the Welfare State: Social and Political Perspectives*, New York: Academic Press.
12. Gamson, W.A. and Modigliani, A. (1987) "The changing culture of affirmative action," in R.D. Braungart (ed.) *Research in Political Sociology. vol. 3*, Greenwich, CT: JAI Press.
13. Gamson. W.A and Modigliani. A. (1989) "Media discourse and public opinion on nuclear power," *American Journal of Sociology* 95: 1-37.
14. Gans. H. (1979) *Deciding What's News*, New York: Pantheon Books
15. Gitlin. T. (1980) *The Whole World is Watching*, Berkeley: University of California Press.
16. Glaser. B. G. and Strauss, A.L. (1967) *The Discovry of Grounder Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine.
17. Glasgow University Media Group (1976) *Bad News*, London: Routledge & Kegan paul.
18. Graber, D. (1984) *Processing the News: How People Tame the Information Tide*, New York: Longman.
19. Hall, S. (1979) "Culture, the media, and the "ideological effect", in J. Curran, M. Gurevitch, and J. Woollacott (eds) *Mass, Communication and Society*, London: Edward Arnold.
20. Hall. S. Critcher, C. Jefferson. T. Clarke, J., and Roberts, B. (1978) *Policing the Crisis*, London: Macmillan.
21. Hallin. D.C. (1986) *The "Uncensored War": the Media and Vietnam*, New York : Oxford University Press.
22. Halloran. J.D. Elliott, P., and Murdock, G. (1970) *Demonstrations and Communications: a Case Study*, Harmondsworth: Penguin.
23. Hughes, H. (1940) *News and the Human Interest Story*, Chicago: University of Chicago Press.
- خودش نیز خوراک می‌دهد؛ این امر به دایره هنرمونیک شباهت دارد. تفسیرهای رسمی اصول تفکیک‌ناپذیر اخبار در گزارش‌های بسته‌بندی شده قرار می‌گیرد؛ این بسته‌بندی‌ها در جای خود توسط مقامات رسمی، کسانی که از این بسته‌بندی‌ها به‌عنوان راهنمایی برای عمل استفاده می‌کنند، تفسیر می‌شوند. تفسیر، تفسیر به دنبال دارد؛ خبر، خبر می‌سازد.
- همچنان که «رایموند ویلیامز» در «مارکسیسم و ادبیات» توضیح داد (۱۹۷۷) استیلای فرهنگی، شرایط طرد خودش را به وجود می‌آورد. ویلیامز از واکنش مارکسیست‌های اولیه نسبت به کاپیتالیست‌ها در ارتباط با نقد تئوری و سیاست‌شان بحث می‌کند، اما نظریه او در مورد اخبار نیز قابل تعمیم است. محققان «کیفیت‌گرا» نشان داده‌اند که فرآیند ساخت اخبار، هم تفهیم فرهنگی و هم اصول منابع رسمی را در بسته‌های خبری به رمز درمی‌آورد. از این‌رو، مصرف‌کنندگان اخبار به اصول حیاتی اخبار کشیده می‌شوند. حتی موقعی که مصرف‌کنندگان اخبار از راهبردهای تفسیری‌ای استفاده می‌کنند که اصول ویژه اخبار را رد می‌کند، به‌گفتمان فرهنگ‌شان واکنش نشان می‌دهند. آنها مانند خبرنگاران و ویراستاران در تولید اخبار، به عنوان یک پاسخ فرهنگی به شرایط ساختاری، شریک هستند. □
- \*Qualitative methods in the study of news, Gaye Tuchman; in a hand book of Qualitative methodologies for Mass Communication Research, Edited by K B, Jensen, N W, Jankowski, Routledge 1991.

#### منابع:

1. Breed, W. (1955) "Social control in the newsroom," *Social Forces* 33: 326-35.
2. Chibnall, S. (1977) *Law and Order News: an Analysis of Crime Reporting in the British Press*, London: Tavistock Press.
3. Cohen, S. and Yong, J. (eds) (1973) *The Manufacture of News: Deviance, Social Problems and the Mass Media*, London: Constable.
4. Dahlgren, p. (1977) "Network T.V. news and the corporate state: the subordinate consciousness of the citizen-viewer," dissertation, New York: City University of New York.
5. Dijk, T.A. van (1988a) *News as Discourse*,